

۱۰۹/۲ - حکم مؤقت عفو و گذشت

این آیه به مسلمانان می‌فرماید: نسبت به اغراض درونی یهود آگاه باشند، ولی در حال حاضر در برابر آن عکس العمل قاطعی نداشته باشند تا فرمان جهاد از سوی خداوند برسد و نیز بدانند که این دستور از روی مصلحت بوده است؛ نه ناتوانی؛ زیرا خداوند بر هر کاری تواناست.

آیه ۱۱۰**رمز پیروزی در برابر دشمنان (نماز و زکات)**

در این آیه، نماز و زکات به عنوان رمز پیروزی و راه استفاده از قدرت الهی و کمک‌های او، بیان شده است و تأکید شده است که هر کار نیک و بدی که از انسان سر بزند، عین آن در قیامت به انسان داده خواهد شد.

آیه ۱۱۱**انحصار طلبی اهل کتاب**

آنان بدون ارائه‌ی دلیل و برهان روشن و تنها از روی میل باطنی و آرزوهای واهی خویش، بهشت را در انحصار پیروان آیین خود می‌دانند؛ در حالی که قرآن این عقیده را به شدت انکار کرده و شرط نیل به سعادت را، تسلیم بودن مخلصانه در مقابل فرمان‌های الهی و انجام اعمال نیک می‌داند.

پیام‌ها

۱- خطراتی که پیروان دیگر ادیان را تهدید کرده، مسلمانان را نیز تهدید می‌کند.
«أَن تَسْئُلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى» (آیه ۱۰۸)

۲- شعله‌ی حسادت چنان خطرناک است که حتی بعد از آشکارشدن حق نیز فرو نمی‌نشینند. «حَسَدًا... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (آیه ۱۰۹)

۳- اعتقادات هر فردی به خصوص در اصول دین، باید بر اساس دلیل باشد. «فَلَهَا تُوا بُرْهَانُكُمْ» (آیه ۱۱۱)

۴- نیکوکاری باید سیره‌ی انسان باشد؛ نه به صورت اتفاقی. «وَ هُوَ مُحْسِنٌ» (جمله‌ی اسمیه دلالت بر استمرار دارد.) (آیه ۱۱۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

واژگان

- ۱- نَسْخٌ: جایگزین می‌کنیم. (نسخ: زایل کردن، از بین بردن، جایگزین کردن) (آیه ۱۰۶)
- ۲- نُسْهَا: از یاد می‌بریم. (نُسی: فراموشی) برخی نیز آن را از ریشه‌ی «نسا: تأخیر انداختن» دانسته‌اند و آن را به مفهوم «تأخير در نسخ چیزی» می‌دانند. (آیه ۱۰۶)
- ۳- اصَحُّوا: چشم‌پوشی کنید. (صفح: چشم‌پوشی، نادیده گرفتن) از «صفحة» به معنای صورت گرفته شده است؛ گویا کسی که چشم‌پوشی می‌کند، صورت خود را به طرفی می‌گیرد. (آیه ۱۰۹)
- ۴- أَمَانَتِي: آرزوهای دست نیافتنی. (جمعِ أَمْنِيَة) (۱۱۱)
- ۵- لَا يَحْزُنُونَ: غمگین نمی‌شوند. (حزن: غم و اندوه) تفاوت «حزوف» با «حزن»، در این است که اولی، ترس از وقوع چیزی در آینده است و دومی، غم و اندوه ناشی از وقوع چیزی در گذشته. (آیه ۱۱۲)

نکات تفسیری**آیه ۱۰۶****۱۰۶/۱ - شأن نزول (بیان حکمت نسخ)**

هنگامی که خداوند برخی از احکام همانند جهت قبله را نسخ کرده و احکام دیگری جایگزین آن می‌فرمود، یهودیان طعنه می‌زندند که «محمد» دارای رأی محکمی نیست، و وقتی حکمی را می‌آورد، پس از مدتی پشیمان شده و حکم دیگری برخلاف آن را می‌آورد. به همین جهت، این آیه نازل شد و حقیقت و حکمت نسخ را بیان کرد.

۱۰۶/۲ - نسخ، برنامه‌ای برای تکامل انسان

«نسخ» در لغت، به معنای از بین بردن و زایل کردن است و در اصطلاح دینی، تغییر حکم و جایگزینی حکم دیگری به جای آن است. برای نمونه، مسلمانان پس از هجرت به مدینه، هفت ماه به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خوانند. پس از آن، دستور تغییر قبله صادر شد و موظف شدند رو به سوی کعبه نماز بخوانند.

۱۰۶/۵- معنی نسخ در حکمی که مثل حکم قبل است، چیست؟

در آیه‌ی شرifeه آمده است: «یا [حکمی] مثل [حکم سابق] را جایگزین می‌کنیم». (او **مثلها**) ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر حکمی همانند حکم گذشته باشد، چه نیازی به تغییر و نسخ حکم اولی وجود دارد؟ پاسخ این است که گاهی شایستگی جامعه در دریافت حکمی تغییر نمی‌کند، ولی بنا بر مصالحی، نوع اجرا و ویژگی حکم باید تغییر یابد. در چنین صورتی، خداوند حکم جدیدی را وضع می‌کند که از نظر فضیلت و ثواب مانند حکم اول، ولی از نظر اجرا با آن متفاوت است.

آیه ۱۰۸

درخواست‌های غیرمعقول

گروهی از علمای یهود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: «از طرف خدا نامه‌ای برای ما بیاور که آن را بخوانیم یا نهراهایی برای ما پدید آور تا تو را پیروی کنیم!»

نقل دیگری حاکی از آن است که مشرکین از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستند که خدا و فرشتگان را نزدشان بیاورد تا آن‌ها را از نزدیک ببینند! به هر حال، این درخواست‌های غیرمعقول موجب گشت، آیه‌ی فوق نازل و به آنان خطاب شود: «آیا شما نیز چون یهود از پیامبر خود درخواست‌های نابجا می‌کنید؟! این کار در حقیقت، عوض کردن ایمان با کفر و فرو رفتن در ضلالت محض است.»

آیه ۱۰۹

۱۰۹/۱- لجاجت یهود

یکی از علمای یهود به نام «حی بن أخطب»، نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده و از ایشان سؤال و جواب‌های فراوانی نمود. هنگامی که مردم از وی پرسیدند: «آیا او پیامبر بود؟»، پاسخ داد: «آری، ولی من کینه و دشمنی او را تا لحظه‌ی مرگ به دل خواهم داشت!» از این واقعه، به خوبی اوج لجاجت و حسادت برخی علمای یهود روشن می‌گردد.

درباره‌ی مفهوم نسخ و تغییر احکام دینی، توجه به سه نکته لازم است:

الف) نیازهای انسان، گاه با تغییر زمان و شرایط محیط، دگرگون می‌شود و گاه، ثابت است. از این‌رو، ممکن است در یک زمان، برنامه‌ای برای انسان مفید باشد که در زمان دیگر، مفید نباشد. بنابراین، نسخ برخی قوانین موجب تکامل انسان می‌گردد.

ب) اصول کلی دین و پایه‌های اساسی آن، مبتنی بر فطرت تغییرناپذیر آدمی است و به همین دلیل، در همه جا و همه‌ی شرایط ثابت است و نسخ، شامل آن نمی‌شود و فقط مسائل کوچک و فرعی را در بر می‌گیرد. به‌طور نمونه، اصل «توحید» یا «عدالت اجتماعی» هرگز دچار دگرگونی و تغییر نمی‌شود

ج) نسخ، در اساس تغییر حکم نیست؛ بلکه پایان یافتن مدت حکم است. با این توضیح که، حکم اول (منسوخ)، از همان ابتدا به صورت قطعی و تا زمان مشخصی وضع شده بود، ولی خداوند به جهت مصالحی - چون ایجاد زمینه برای پذیرش حکم نهایی یا امتحان و آزمایش بندگان - مقطعی و موقت بودن آن را اعلام نکرد؛ بلکه با پایان یافتن زمان حکم موقت، حکم نهایی (ناسخ) را ابلاغ نمود. بنابراین، این‌گونه نیست که تغییری در علم خداوند حاصل آمده باشد.

۱۰۶/۳- نسخ تکوینی و تشریعی

مفهوم از «آیه»، هر چیزی است که نشانه و علامت وجود خالق باشد. بنابراین، نسخ در آیه‌ی شرifeه، علاوه بر احکام (نسخ تشریعی)، شامل تغییر و جایگزینی برخی مخلوقات به جای برخی دیگر نیز می‌شود که در اصطلاح، به آن، «نسخ تکوینی» گفته می‌شود.

۱۰۶/۴- تفاوت «نسخ» با «انسae»

با توجه به آن‌چه در بخش واژگان گفته شد، چنانچه «انسae» را از ریشه‌ی «نسأ» به معنای «به تأخیر افتادن» بدانیم، نسخ حکمی می‌باشد، ولی اگر آن را از ریشه‌ی «نسی» بدانیم، به معنای «فراموشاندن» حکم است. در این صورت، آرای مختلفی در تفسیر این اصطلاح قرآنی و تفاوت آن با نسخ بیان شده است که مقبول‌ترین آن این است که مقصود از «انسae» را فراموشی کامل حکم سابق از یادها بدانیم؛ مانند فراموشی برخی احکام شرایع گذشته در دین اسلام.